



چگونه امام جواد (ع) تشیع را در دوران بنی عباس حفظ کرد؟

امام نهم شیعیان، حضرت جواد علیه السلام، در دهم رجب سال 195 هجری در مدینه به دنیا آمد. نام زیبایش، محمد، معروف به جواد و تقی است. آن حضرت القاب دیگری چون رضی، متقی، متوکل، زکی، مرتضی و قانع نیز داشته، ولی تقی از همه معروف تر است.

امام نهم شیعیان، حضرت جواد علیه السلام، در دهم رجب سال 195 هجری در مدینه به دنیا آمد. نام زیبایش، محمد، معروف به جواد و تقی است. آن حضرت القاب دیگری چون رضی، متقی، متوکل، زکی، مرتضی و قانع نیز داشته، ولی تقی از همه معروف تر است.

کنیه آن حضرت، ابوجعفر، پدر بزرگوارش، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و مادرش، سبیکه یا خیزران است که هر دو نام در تاریخ زندگی آن حضرت ثبت شده است. امام محمد تقی علیه السلام، هنگام وفات پدر، حدود 8 سال داشت. پس از شهادت جان گداز امام رضا علیه السلام در اواخر ماه صفر سال 203 هـ. ق، امامت، به فرزند ارجمندش حضرت جوادالائمه علیه السلام رسید.

مأمون، خلیفه عباسی که چون دیگر خلفای بنی عباس، از پیشرفت معنوی و نفوذ باطنی امامان معصوم علیهم السلام و گسترش فضایل آنها در میان مردم می هراسید، کوشید ابن الرضا را تحت مراقبت ویژه خویش درآورد. به همین منظور، دختر خویش، ام الفضل را به ازدواج امام جواد علیه السلام درآورد تا مراقبی همیشگی و خانگی بر امام گمارده باشد. رنج هایی که این مأمور خانگی بر امام جواد علیه السلام روا کرده، در تاریخ معروف است.

از روش هایی که مأمون برای مبارزه با امام رضا علیه السلام به کار می بست، تشکیل مجالس بحث و مناظره بود. مأمون و پس از او معتصم عباسی، به گمان باطل خود، می خواستند از این راه، امامان معصوم علیهم السلام را در تنگنا قرار دهند. از این رو، برای فرزندش امام جواد علیه السلام نیز چنین روشی را به کار بستند. آن حضرت در کودکی به امامت رسید، ولی مأمون نمی دانست مقام ولایت و امامت که موهبتی الهی است، به کمی و زیادی سن بستگی ندارد. از این رو، همواره امام را مورد سنجش و امتحان قرار می داد.

هم زمان با امامت جوادالائمه علیه السلام، فرقه های گوناگون اسلامی و غیراسلامی، میدان رشد و نمو یافته بودند. دانشمندان بزرگی در این دوران می زیستند که از علوم و فنون دیگر ملت ها نیز آگاهی داشتند.

همچنین، کتاب های بسیاری به زبان عربی ترجمه شده و در دسترس قرار گرفته بود. امام جواد علیه السلام با کمی سن، وارد بحث های علمی شد و با سرمایه خدایی امامت که از دریای ولایت مطلقه و الهام ربانی سرچشمه گرفته بود، احکام اسلامی را مانند پدران و اجداد بزرگوارش گسترش داد.

همچنین، آن حضرت به تربیت و ارشاد خلق پرداخت و به مسائل بسیاری پاسخ گفت. از میان مناظره های پرشور حضرت، می توان به مناظره ایشان با قاضی القضاة دربار مأمون، یحیی بن اکثم، اشاره کرد که شگفتی حاضران در مجلس را برانگیخت. اهمیت جایگاه و محبوبیت امام جواد علیه السلام در میان مردم، پس از این مناظره ها بیشتر شد.

چگونه امام جواد (ع) تشیع را در دوران بنی عباس حفظ کرد؟

امام جواد علیه السلام در مدت هفده سال امامت خویش، به نشر و تعلیم حقایق اسلام پرداخت و شاگردان و اصحاب برجسته ای تربیت کرد که هر یک خود، سرچشمه ای از فرهنگ و آموزه های اسلامی بودند. از آن جمله می توان به ابن ابی عمیر بغدادی، ابو جعفر محمد بن سنان زاهری، احمد بن ابی نصر بزنطی کوفی، ابوتمام حبیب بن اوس طائی شاعر شیعی معروف، ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی و فضل بن شاذان نیشابوری اشاره کرد.

شاگردان حضرت نیز هر کدام به گونه ای تحت تعقیب یا زندانی بودند. امام جواد علیه السلام شیعیان خود را از خطر فرقه های آن دوران آگاه می کرد. یکی از این فرقه ها، فرقه مجسمه بودند که خدا را جسم می پنداشتند. واقفیه، از دیگر فرقه های گمراه و مشکل ساز بودند که در برابر شیعیان قرار گرفتند. آنها پس از شهادت امام کاظم علیه السلام بر آن حضرت توقف کردند و امامت فرزندش علی بن موسی الرضا علیه السلام را نپذیرفتند.

غلات نیز گروه دیگری بودند. آنها در بدنام کردن شیعه سهم بسزایی داشتند. از این رو، مورد تنفر امامان معصوم علیهم السلام بودند. آنها به نام ائمه، روایت هایی جعل می کردند و شیعیان را به انحراف می کشاندند. امام جواد علیه السلام به سران غلات لعنت می فرستاد و شیعیان خود را به دوری از فرقه های گمراه سفارش می کرد.

روش تبلیغی معصومان علیهم السلام نیز مانند دیگر ابعاد زندگی شان اسوه و الگو به شمار می آید اما امام جواد (ع) با چه روش تبلیغی شیعیان را از خطرات آگاه ساخت و مذهب شیعه را در دوران بنی عباس حفظ کرد؟

1. تبلیغ از راه مناظره

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد علیه السلام مناظره است. مناظره های آن حضرت - که از نخستین روزهای امامتش آغاز شد - وی را در تثبیت جایگاه ولایت و امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه ی مناظره های علمی گام نهاد.

نخست نیاز شیعیان که با توجه به سن اندک آن حضرت در پی کشف جایگاه معنوی اش بودند و دوم خواست مامون و معتصم که اندیشه ی خوار ساختن امام و اثبات الهی نبودن آگاهی های وی در سر می پروراندند.

خلفا می کوشیدند با برپا ساختن مجالس مناظره امامان شیعه را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسشی باز مانند و جایگاه معنوی شان مورد تردید واقع شود.

اهداف امام علیه السلام در مناظره ها
الف) اثبات امامت خود

امام جواد علیه السلام در این مناظره ها پیش از هر چیز در پی اثبات حقانیت خود بود. بر اساس گفته ی مورخان امام - با آن که هفت سال بیش نداشت - در یکی از محافل به سی پرسش پاسخ داد. (1)

ب) رسوا ساختن دروغ پردازان

امام علیه السلام در مناظره چنان رفتار می کرد که نادرستی فضائل ساختگی خلفا آشکار شود.

در یکی از مجلس ها مامون از یحیی بن اکثم خواست پرسشی مطرح کند. یحیی عرض کرد: یابن رسول الله، بر اساس روایت ها جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا محمد، خداوند سلامت می رساند و می فرماید از ابوبکر بپرس آیا از ما خشنود است؟ زیرا من از وی راضی ام؛ در این باره چه می فرمایید؟

امام علیه السلام فرمود: فضل ابوبکر را انکار نمی کنم، ولی آن که این خبر را روایت کرده باید به خبری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود توجه کند. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:

لقد كثرت الكذابة على ...

دروغ گویان بر من بسیار شده اند و نسبت دروغ بر من فزونی یافته است. پس هر که بر من دروغ بندد، خداوند نشیمن گاهش را از آتش پر می سازد. چنانچه حدیثی برایتان آوردند، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید؛ هر چه با آن موافق بود بپذیرید و آنچه مخالف بود رها سازید، خداوند می فرماید:

«ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد». (2)

به تحقیق ما انسان را آفریدیم و می دانیم آنچه نفس به او وسوسه می کند و ما از رگ گردن به وی نزدیک تریم.

روایتی که شما ذکر کردید، نشان می دهد خشنودی یا ناخشنودی ابوبکر بر حضرت حق پوشیده بود و این نزد عقل محال و ممتنع است. (3)

2. تبلیغ عملی علیه حکومت مامون

مامون به ظاهر امام علیه السلام را بسیار احترام می نهاد و دخترش ام الفضل را، به رغم مخالفت های گوناگون به عقد وی درآورد. این برخوردها هرگز امام را به دستگاه خلافت خوش بین نساخت. او خلیفه را ستمگر می شمرد و اندیشه ی مخالفت با آن را در سر می پروراند.

بنابر این، در نخستین فرصت به بهانه ی حج سمت مدینه رهسپار شد و در آن دیار اقامت گزید. حسین مکاری می گوید: هنگامی که حضرت محمد تقی علیه السلام نزد خلیفه جایگاهی والا داشت، وارد بغداد شدم و به دیدار وی شتافتم. چنان می اندیشیدم که حضرت دیگر به مدینه باز نخواهد گشت. چون این امر را به خاطر آوردم، امام علیه السلام سر فرو افکند. اندکی بعد سربلند کرد و در حالی که رنگ مبارکش زرد شده بود، فرمود: حسین، نان جو و نمک نیم کوب در حرم رسول الله صلی الله علیه و آله از آنچه مشاهده می کنی برایم بهتر است. (4)

3. پدید آوردن حوزه ی علمی

پرورش دانش پژوهان روشن بین نیز در شمار روش های تبلیغی امام نهم علیه السلام جای دارد. آن حضرت ضمن پاس داری از حوزه یی که امام صادق علیه السلام بنیان نهاده بود، دویست و هفتاد شاگرد تربیت کرد که گروهی از آنان نیز از شاگردان امام هشتم شمرده می شدند. (5)

4. اعزاز نماینده

امام نهم علیه السلام برای خنثی ساختن تبلیغات شوم بنی عباس و ارائه اسلام راستین به مردم، نمایندگان به مناطق مختلف گسیل می کرد. این نمایندگان، کارگزاران امام علیه السلام شمرده می شدند و در مراکز چون اهواز، همدان، سیستان، بست، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم زمینه ی اتحاد شیعیان و پیوند آن ها با معصوم را فراهم می آوردند.

امام علیه السلام همچنین به پیروانش اجازه می داد درون دستگاه حکومت نفوذ کنند و پست های حساس را در دست گیرند. «محمد بن اسماعیل بن بزیع» و «احمد بن حمزه قمی» از این فرصت بهره بردند و با رسیدن به موقعیت های ممتاز حکومتی در مسیر خدمت به دین و دین داران گام برداشتند.

«حسین بن عبدالله نیشابوری» حاکم «بست» و «سیستان» و «حکم بن علیا اسدی» حاکم «بحرین» نیز از یاران حضرت شمرده می شدند و خمس دارایی شان را نزد وی گسیل می کردند. (6)

پی نوشت ها:

(1) منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، ج 2، ص 577

(2) ق / 16

(3) سیره ی پیشوایان، مهدی پیشوایی، انتشارات توحید، ص 552

(4) منتهی الآمال، ص 582

(5) امام الجواد من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، ص 89

(6) سیره ی پیشوایان، ص 559